

نقد و بررسی تصحیح دیوان شمس طبری

علیرضا شانظری*

چکیده

شمس‌الدین محمد بن عبدالکریم طبری، متخلص به شمس، از شاعران قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است. از آن جا که نسخه‌ای مستقل از دیوان شمس در دست نیست، تا کنون، این دیوان به صورت کامل و منقح، تصحیح نشده است. در سال ۱۳۴۳ تقی‌بینش با استفاده از دو نسخه قدیمی و مقابله آنها با چند نسخه دیگر، تصحیحی از آن ارائه داد و مقدمه‌ای مفصل و ارزشمند، به همراه تعلیقاتی سودمند بدان افزود؛ اما با وجود تلاشهای انکارناپذیر مصحح، باز هم اشکالاتی به این دیوان راه یافته که بیشتر به دلیل پابندی بیش از حد مصحح به نسخه اساس بوده است. در این مقاله، با استفاده از نسخه‌ای قدیمی و مقابله چند نسخه دیگر، گامی در جهت اصلاح این اشتباهات برداشته شده است.

کلیدواژه‌ها: شمس طبری، تصحیح، تقی‌بینش، متن چاپی، تحریفات.

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۶ تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۵

* عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج / A.Shanazari@yahoo.com

مقدمه:

شمس‌الدین محمد بن عبدالکریم طبسی، متخلص به شمس، از شاعران قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری است که سال ولادت او مشخص نیست. از بدایت احوال او هم در تذکرها سخنی به میان نیامده و به طور کلی اطلاعات کمی درباره زندگی او موجود است. نخستین مرجعی که درباره شمس سخن گفته، لباب الالباب عوفی است که علیرغم معاصر بودن عوفی با شمس و دیدار با او^۱، از این تذکره هم اطلاعات زیادی درباره شمس بدست نمی‌آید (صفا، ۱۳۷۳: ۸۳۵/۲). پس از لباب الالباب، آثار البلاذ قزوینی به شمس در ذیل نام «طبس» اشاره کرده است؛ قزوینی می‌نویسد: شمس شاگرد رضی‌الدین نیشابوری بوده است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۷۶). بقیه تذکرها مطالبشان را عمدتاً از همین دو مأخذ گرفته‌اند. تقی‌بینش که در سال ۱۳۴۳ ش اقدام به تصحیح دیوان شمس کرد، مقدمه مفصل و کاملی درباره زندگی و احوال شمس نوشت که تاکنون کامل‌ترین منبع درباره احوال اوست. در مقاله حاضر به بررسی تحریفات راه یافته به دیوان شمس، و تصحیح این موارد بر اساس نسخه خطی استانبول پرداخته شده است.

شمس با وجود این که شاعری زبردست و مضمون‌آفرین بوده، تاکنون، آن‌گونه که باید و شاید، مورد توجه قرار نگرفته است. این بی‌توجهی به حدی بوده که اشعاری از او به دیوان ظهیر فاریابی راه یافته و ناشر تصور کرده که شمس، تخلص دیگر ظهیرست^۲ (صفا، ۱۳۷۳، ۸۳۶/۲). این اشتباه حتی به لغت‌نامه دهخدا (نک: دهخدا، ذیل «مقط») هم راه یافته و بیتی از شمس به جمال‌الدین اصفهانی نسبت داده شده است^۳:

۱. این دیدار در سال ۵۹۷ ه. ق در سمرقند روی داده (عوفی، بی تا: ۶۰۷)

۲. به این مسئله در حواشی آتشکده آذر هم اشاره شده است (آذر بیگدلی، ۱۳۳۶: ۲۶۴)

۳. نویسنده خزانه عامره می‌نویسد قصیده‌ای از شمس که در آن تشبیه به ماه نواست، در نسخه‌ای از دیوان نوری هم دیده شده (آزاد بلگرامی، ۱۳۹۰: ۴۴۹) با این مطلع:

آنجا که کلک مدح تو خواند مشیر عقل از شاخ سدره دست عطارد کند مقط
(نسخه استانبول، برگ ۱۵۰)

اگر دیوان مستقلی از شمس وجود داشت، این تحریفات یا پیش نمی‌آمد و یا به حد اقل می‌رسید. چنان که گفته آمد، نخستین بار، تقی بینش دیوان شمس طوسی را بر اساس نسخه خطی کتابخانه ایندیا آفیس لندن مورخ ۵۷۱۳ ق، و با عنایت به نسخه خطی کتابخانه چستربیتی دوبلین مورخ ۶۹۹ ه. ق و مقابله آنها با هشت نسخه دیگر تصحیح کرد. مصحح علاوه بر مقدمه، تعلیقات سودمندی هم به آخر کتاب افزود که ارزش آن را دوچندان کرده است. با این حال، به دلیل پایبندی بیش از حد مصحح به نسخه اساس، تحریفات و اشکالاتی در دیوان شمس وارد شده است. پیش از پرداختن به اشکالات و تحریفات برخی از اشعار شمس، نسخه‌های مورد استفاده را به اجمال معرفی می‌کنیم.

در فهرست نسخه‌های خطی، ۱۰ نسخه و در فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) چهارده نسخه از دیوان شمس طوسی معرفی شده است. چنانکه گفته شد، اساس کار بینش در تصحیح دیوان شمس، نسخه ایندیا آفیس لندن است که در ۷۱۳ ق کتابت شده و به نظر مصحح، صحیح‌ترین نسخه است. مصحح نگاهی هم به نسخه کتابخانه چستربیتی دوبلین، مورخ ۶۹۹ ق، داشته که به گفته مصحح، اقدام نسخ است و فیلم آن به شماره ۱۸۶۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۶۳۰). البته در فهرست منزوی و دست‌نوشته‌های ایران، نسخه‌ای متعلق به مجلس شورای اسلامی است که تاریخ کتابت آن سال ۶۹۵ ق است و در واقع قدیمی‌ترین نسخه دیوان شمس است؛ اما متأسفانه فقط هشت برگ آن مربوط به شمس طوسی است. نگارنده ضمن استفاده از این نسخه، نسخه‌ای دیگر را که نسبت

→

به نسخه کتابخانه چستریتی کامل تر^۱ است و خطاهای مرسوم کاتبان کمتر در آن به چشم می خورد، اساس کار خود قرار داده که مشخصات آن به قرار ذیل است:

ف. ۱۷۰، حکیم اوغلو علی پاشا، ش ۶۶۹/۳، نسخ در ۵۴۴ برگ ۳۵ س؛ دیوان های انوری، عبدالواسع جبلی، شمس طبسی، مجیر بیلقانی، ظهیر فاریابی، مسعود سعد سلمان، ازرقی، امیر معزی، نجیب الدین جرفادقانی، رفیع الدین لنبانی، اثیر اخیسکتی، ابوالفرج رونی (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۴۲۰). این نسخه در فهرست منزوی به شماره ۲۳۸۹۰ تحت عنوان استانبول آمده و در پایان آن نوشته که فیلم آن در دانشگاه به شماره ۱۷۰ موجود است (منزوی، ۳۴۹: ۵۴۳).

نسخه دیگر مورد استفاده نگارنده، همان نسخه چستریتی است که فیلم آن در کتابخانه دانشگاه تهران این چنین معرفی شده است: ف ۱۸۶۵، چستریتی شماره ۱۰۳، نوشته ابونصر محمد بن احمد بن علی بن برجق بن بنمان یمانی و محمدشاه بن علی بن محمود بن شاهبخت اصفهانی، گویا در اصفهان در نیمه شوال ۶۹۹ در ۴۱۶ برگ (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۶۳۰). این نسخه هم مجموعه ای است از دیوان شاعرانی چون کمال الدین اسماعیل، عبدالواسع جبلی، رشید وطواط، ابوالفرج رونی، شمس الدین ازرقی، شمس طبسی و ...

نسخه های دیگری هم مورد استفاده نگارنده بود که فقط به ذکر عنوان آنها بسنده می شود: چهار نسخه متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دو نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی و یک نسخه متعلق به کتابخانه ملک.

نگارنده به نسخه ایندیا آفیس دسترسی نداشت، اما با بررسی فهرست اشعار این نسخه در تعلیقات دیوان شمس طبسی (۱۳۴۳: ۱۴۵ - ۱۴۸) و مقایسه آن با نسخه آستان قدس رضوی به شماره ۵۳۰۷ متوجه شد که این نسخه که توسط کاتبی به نام صدرالدین معمار اصفهانی در قرن یازدهم هجری کتابت شده، عیناً از روی نسخه

۱. هشت ورق از ابتدای نسخه چستریتی ناقص است (رک: شمس طبسی، ۱۳۴۳: ۱۴۰)

این‌دیا آفیس نوشته شده است؛ به گونه‌ای که مقدمه و مؤخره هر دو نسخه یکی است و تنها تفاوت آنها در عبارات پایانی نسخه‌ها، سال کتابت و نام کاتب آنهاست^۱. با مقابله نسخه استانبول با متن چاپی، تحریفات و اشتباهاتی دیده شد که در ادامه بررسی می‌شوند.

اشتباهات دیوان چاپی را می‌توان به موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱- جابه‌جایی مصاریح شعری:

در برخی موارد مصراع‌ی از بیتی که در نسخه اساس نبوده، به دلیل اشتباه کاتب به مصراع دیگری ملحق شده است. مثلاً شمس طوسی می‌گوید:

ای که گه بزم شیر بیشه گردون / چنگ‌زن خصم بینوای تو آمد
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۸)

در متن چاپی (شمس طوسی، ۱۳۴۳: ص ۳۱، بیت ۵۴۱) به جای مصراع دوم، این مصراع ضبط شده: «ریزه‌خور سفره عطای تو آمد» که در واقع متعلق به بیت بعدی است که در متن چاپی نیامده:

مهر که شد قرص سالخورده افلاک / ریزه‌خور سفره عطای تو آمد
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۸)

یا در بیت زیر:

زهی خجسته وزیری که فیلسوف خرد را / در تو کرد حکایت ز هفت چرخ ممرّد
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۷)

۱. عبارت پایانی نسخه این‌دیا آفیس چنین است: «تمام شد دیوان امیر حکیم ملک الکلام اعجوبة الزمان شمس‌الدین جمال الاسلام محمد الطوسی روح الله روحه در ذی قعدة سنه ثلث عشر و سبعمائه بخط العبد المومن العلوی الکاشی غفر الله له» (شمس طوسی، ۱۳۴۳: ۱۴۸). در نسخه آستان قدس بعد از عبارت روح الله روحه آمده: «در يوم الاحد سیوم شهر صفر سنه ۱۰۴۱ بخط العبد صدر الدین محمد بن جعفر علی بن محمد علی معمار اصفهانی عفی عنه» (نسخه خطی آستان قدس: برگ ۴۱۸)

متن چاپی (همان، ص ۳۲، بیت ۵۵۹) به جای مصرع دوم، این مصراع را ضبط کرده: «هنوز حفظ نکردی حروف تخته ابعجد» که مربوط است به بیت زیر:
ضمیر خرده‌شناس است به خشم گفته خرد را هنوز حفظ نکردی حروف تخته ابعجد؟
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۷)

در برخی موارد که باز هم ناشی از اشتباه کاتب است، کلمه‌ای در دو بیت بالاتر آمده و کاتب مجدداً در بیت مورد نظر آن را تکرار کرده است. مثلاً در بیت زیر، شمس طبسی می‌گوید:

آن شبه را در شمر که گاه کتابت کرد ز خامه نثار تارک شین را
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۴)

در متن چاپی (همان، ص ۴، بیت ۳۵) به جای «کتابت» که متناسب با «خامه» در مصراع دوم است، «ثباتش» ضبط شده که در دو بیت بالاتر آمده:
طیره‌گر آمد حسیض کوه ثباتش رقعۀ این زخم خورده گوی گلین را

۲- نادرستی ضبط نسخه اساس:

بیشترین اشکالات دیوان چاپی شمس طبسی ناشی از نادرستی ضبط نسخه اساس است؛ از جمله موارد زیر:

۲-۱- آز/راز

شمس طبسی در مدح سیف‌الدین می‌گوید:
از سریر درش خطاب آمد سائل آز را که لا تیأس
(نسخه استانبول: برگ ۱۴۹)

در متن چاپی به جای «آز»، «راز» آمده (همان، ص ۹۱، بیت ۱۵۴۵)، در حالی که ضبط «آز» متناسب با کلمه سائل به معنی گدا و جمله «لا تیأس» است.

۲-۲- کافر/کافر

گفت کآخر قربت دستور اعظم یافتی آنکه یابد خاک پایش هر دم افزون آب خویش
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۵۰)
در متن چاپی (همان، ص ۹۲، بیت ۱۵۶۵)، به جای «کآخر»، «کافر» آمده که نادرست است.

۲-۳- به باقو / بی آهو

گر تیر فلک شرح دهد منصب کلکش بی آب شود خنجر بهرام به باقو
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۴۵)
این بیت در ذیل واژه «باقو» (یکی از منازل مریخ)، در لغتنامه دهخدا هم به همین صورت آمده، اما در متن چاپی (همان، ص ۶۵، بیت ۱۱۳۷)، به جای «به باقو»، «بی آهو» ضبط شده است.

۲-۴- اعشی / عیسی

نیست عجب گر شود اعشی تازی زبان از پی گفتار او عاشق شعر دری
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۴۷)
متن چاپی (همان، ص ۸۱، بیت ۱۳۹۹)، به جای «اعشی»، «عیسی» آمده که با توجه به صفت تازی برای عیسی و نیز عاشق شعر دری شدن، این ضبط درست نیست.

۲-۵- حلقه سیمین آسمان / حلقه زرین آفتاب

ای سروری که حلقه سیمین آسمان گیتی عروس جاو ترا گوشوار کرد
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۸)
در متن چاپی (همان، ص ۱۱۲، بیت ۱۸۵۰) به جای «حلقه سیمین آسمان»، «حلقه زرین آفتاب» آمده است. منظور از «حلقه سیمین آسمان»، در این بیت هلال ماه است که با توجه به حلقه‌ای شکل بودن آن و نیز تناسب با گوشواره در مصراع دوم، حلقه سیمین ارجحیت دارد.

۲-۶- بدِ عام / بادغام

در حَیْز وجود اگر با هنر یکی است خاص از برای اوست بدِ عام روزگار
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۴۲)
این بیت درباره ناسازگاری روزگار با اهل هنرست. در متن چاپی (همان، ص ۱۳۶،
بیت ۲۲۸۱) به جای «بدِ عام»، «بادغام» آمده است.

۲-۷- کوثر / کوه

در متن چاپی (همان، ص ۱۰۷، بیت ۱۷۶۷) بیت زیر آمده:
شعله خشم تو گر بر کوه آسیبی زند زو برآید همچنان کز دودِ دوزخ التهاب
شاعر در دو بیت بعد در مورد کوه سخن می گوید:
عزم تو گر سایه تعجیل بر کوه افکند بر خلاف طبع کوه آید چو باد اندر شتاب
بنابراین، طبق ضبط نسخه خطی استانبول (برگ ۱۳۴) بهترست به جای کلمه
«کوه» در بیت اول، کلمه «کوثر» قرار بگیرد.

۲-۸- آز / شام

در متن چاپی (همان، ص ۱۳۳، بیت ۲۲۱۶) بیتی به صورت زیر آمده:
ای مُکر می که شام تهیدستِ تنگ عیش از خاک آستانه تو کیمیا گرفت
در حالی که در نسخه خطی استانبول (برگ ۱۳۶) به جای «شام»، «آز» آمده که
صحیح ترست. یکی از ویژگی های سبکی شمس طوسی به کار بردن صفات متناسب
با انسان برای اسم های معناست؛ مثل هجران خیره روی، بخل سیاه کاسه و نیاز
خشک لب و... مثلاً:
در خانه جهان چو بگسترده خوانِ جود بخل سیاه کاسه از او راه در گرفت
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۵)

۲-۹- گل / مه

در متن چاپی (همان، ص ۶، بیت ۸۲) این بیت آمده:

بیا که چرخ ز رخسار مه نقاب انداخت
زمانه در سر زلف بنفشه تاب انداخت

این بیت تشبیب قصیده است؛ بنابراین «گل» که ضبط نسخه خطی استانبول (برگ ۱۳۵) است، درست‌تر از «مه» بوده، ضمن این که نقاب از سر گل انداختن مناسب‌تر است تا از سر مه.

۲-۱۰- صغیر/صریر

در متن چاپی (همان، ص ۹، بیت ۱۲۵) بیت زیر آمده:
در باغ تر و تازه بخت تو کیست ناهید
آن بلبلی که گوش فلک زو پر از صریرست

کلمه «صریر» به معنی صدای قلم به هنگام نوشتن است که ارتباطی با بلبلی ندارد. پس به جای این ضبط که جزء نسخه بدل‌های پیش بوده، باید ضبط نسخه استانبول (برگ ۱۳۵) یعنی «صغیر» را قرار داد که به معنی آواز پرندگان است.

۲-۱۱- زمانه / زمان را

وصف مناقب تو زمانه محال دید
شرح مراتب تو فلک مستحیل یافت

(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۶)

متن چاپی (همان، ص ۱۰، بیت ۱۵۵) به جای «زمانه»، «زمان را» ضبط کرده که نادرست است.

۲-۱۲- در افقش / در قفس؛ نصفی / مصفی

در متن چاپی (همان، ص ۱۲۰، بیت ۱۹۹۱) بیت زیر آمده:
این غزل زهره ادا کرد، مگر خرم بود
که شفق در قفس مصفی صهبا دیدم

(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۴۵)

مصراع دوم که در وضع فعلی بی معناست، در نسخه خطی استانبول (برگ ۱۴۵) این‌گونه آمده: «کز شفق در افقش نصفی صهبا دیدم». شاعر حالت غروب آفتاب را به پیاله شراب تشبیه کرده و به ارتباط زهره با طرب و رامشگری هم توجه داشته است؛

بنابراین مرجع ضمیر «ش» در این بیت، زهره است. پس در مصراع دوم، باید به جای «که»، «کز» و به جای «در قفس»، «در افقش» و به جای «مصفی» (که احتمالاً غلط چاپی است) کلمه «نصفی» (نوعی پیاله شراب) را قرار داد تا بیت مفهوم درستی پیدا کند. در مواردی مصحح، در پانویس به برتری ضبط نسخه بدل اذعان دارد، اما باز هم ضبط نادرست نسخه اساس را در متن می آورد. همانند موارد زیر:

۲-۱۳- صاحبی / حاجبی

ای صاحبی که ذات تو مانند جوهر جان در شخص ملک و قالب اقبال ناگزیرست
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۵)

مصحح با اینکه در پانویس متن چاپی (همان، ص ۱۱۹) تصریح می کند که ظاهراً «صاحبی» بهتر است، ولی در متن «حاجبی» را آورده است.

۲-۱۴- زکردگار / که کردگار

در دیوان چاپی (همان، ص ۶، بیت ۸۱) این بیت آمده:
تا آن زمان بقای تو خواهم که کردگار / کز جانب غروب زند خنجر آفتاب
در نسخه خطی استانبول (برگ ۱۳۴) به جای «که کردگار»، «ز کردگار» آمده که با توجه به «کز» در مصراع دوم، همین ضبط درست است و مصحح هم به برتری آن اذعان داشته، ولی باز در متن «که» آورده و در قسمت استدراکهای کتاب هم آن را اصلاح نکرده است.

۲- اشکالات وزنی

در برخی موارد، کلمه یا کلماتی در نسخه اساس مصحح نبوده و به همان صورت در متن چاپی آمده است که اشکال وزنی دارد. مثلاً در بیت زیر:
گر صبح بیش ازین ندمد هیچ باک نیست / خورشید لهدو در فلک ساغر تو باد
(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۴۰)

در متن چاپی (همان، ص ۱۷، بیت ۲۷۹) واژه «هیچ» ضبط نشده است. موارد اشکال وزنی در متن چاپی بسیارست؛ از آن میان، به ذکر دو نمونه دیگر اکتفا می‌شود:

تو نور چشم عقلی و هر شوخ دیده‌ای گو چشم جان ز سرمه خشمت کحیل یافت

(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۶)

در متن چاپی (همان، ص ۱۱، بیت ۱۶۲) به جای «خشمت»، «تعصب» ضبط شده که علاوه بر اشکال وزنی مفهوم درستی هم ندارد.

ز عشق گرد سمند سپهر جولانت چه سیل حادثه بر روضه بصر گذرد

(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۴۹)

متن چاپی (همان، ص ۸۹، بیت ۱۵۲۰) به جای «ز» در اول بیت، «از» آمده که اشکال وزنی پیدا می‌کند.

۴- اشتباهات چاپی

مواردی در متن چاپی دیوان شمس هست که به نظر می‌رسد غلط چاپی باشد. مثلاً موارد زیر:

گرفت مهره عشق مرا به ششدره در هوای تو چو سر حقه دغا برداشت

(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۶)

متن چاپی (همان، ص ۱۳۴، بیت ۲۲۳۷) به جای «دغا»، «دعا» آورده است.

هم طبع او مرقع گردون خلق نمود هم عقل مهره‌بازی گردون هبا گرفت

(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۶)

متن چاپی (همان، ص ۱۳۲، بیت ۲۲۱۲) به جای «مهره‌بازی»، «مهریاری» آورده است.

عروس صبح چو آینه صفا برداشت نقاب عودی از چهره هوا برداشت

(نسخه خطی استانبول: برگ ۱۳۶)

متن چاپی (همان، ص ۱۲۸، بیت ۲۱۴۰) به جای «عودی»، «دعوی» ضبط شده است.

به موارد بالا باید این را هم اضافه کرد که در متن چاپی (همان، ۱۲۹) یک مستزاد به شمس طبسی نسبت داده شده که در بیشتر نسخه‌های دیوان، به صورت رباعی آورده شده و نه مستزاد:

بر برگ گلت مورچه ره خواهد کرد بر لاله بنفشه تکیه‌گه خواهد کرد
جانا ز سیه‌گری بدان جای رسید خط تو که ماه را سیه خواهد کرد
(نسخه کتابخانه آستان قدس: برگ ۴۱۷)

نکته دیگر در مورد متن چاپی، عدم رعایت رسم الخط امروزی است. البته با توجه به سال تصحیح دیوان، طبیعی است که رسم الخط رایج آن زمان رعایت گردد؛ مانند موارد زیر:

«لحظه» به جای «لحظه‌ای» (همان، ص ۳۳، بیت ۵۷۳):

هر لحظه زمانه ز دریای چشم من در دُرُج آسمان گه‌ری دیگر افکنند

«باحتراق» به جای «به احتراق» (همان، ص ۴۷، بیت ۸۳۴):

باحتراق در افتاد جان خسته من ز تیز خشمی بهرام و شوخ چشمی تیر

«خدمه» به جای «خدمت» (همان، ص ۷۱، بیت ۱۲۲۸):

ز بهر خدمه او آسمان مواضعه داد که بیش از این نگشاید بدست صبح قبای

در دیوان چاپی، همه جا حرف اضافه «به» به کلمه بعد از خود و «می» به فعل مضارع چسبیده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به گمنام بودن شمس طبسی و اهمیت اشعار او و با در نظر گرفتن اشکالات و تحریفات راه یافته در متن چاپی اشعار او که برخی از نمونه‌های آن مطرح شد و نیز با توجه به این که دیوان شمس تنها یک بار و با رسم الخط مرسوم آن زمان

(سال ۱۳۴۳) چاپ شده است، ضرورت دارد که دیوان این شاعر یکبار دیگر با اساس قرار دادن نسخه‌ای صحیح‌تر از نسخه کتابخانه ایندیا آفیس و مقابله با نسخه‌های دیگر تصحیح گردد. نسخه استانبول می‌تواند برای این منظور راهگشا باشد و موارد تحریف و تبدیل را با توجه بدان مرتفع کرد.

منابع

- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ بن آقاخان (۱۳۳۶). تذکره آشکده، تصحیح و تحشیه حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.
- آزاد بلگرامی، غلامعلی (۱۳۹۰). خزانه عامره، تصحیح ناصر نیکوبخت، شکیل اسلم بیگ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، مجلد پنجم، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵). لغت‌نامه، زیرنظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: سازمان لغت‌نامه.
- شمس طبری، محمد بن عبدالکریم (۱۳۴۳). دیوان، تصحیح تقی بینش، مشهد: انتشارات زوّار.
- _____ (بی‌تا). دیوان، نسخه خطی استانبول، فیلم شماره ۱۷۰ دانشگاه تهران.
- _____ (قرن یازدهم ه.ق). دیوان، نسخه خطی آستان قدس رضوی، مشهد.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- عوفی، محمد (بی‌تا). لب‌الالباب، از روی چاپ اروپا (تصحیح براون، قزوینی)، با تصحیحات و تعلیقات جدید سعید نفیسی، تهران: کتابفروشی علمی.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳). آثارالبلاد و اخبارالعباد، ترجمه با اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح و تکمیل میرهاشم محدّث، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منزوی، احمد (۱۳۴۹). فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی - منطقه‌ای.